



فصل فرستنی
حجت الاسلام والمسلمین حسین ابراهیمی

یکی از ابواب و کلماتی که در مورد نماز مطرح می شود، کلمه تعقیبات است. مرحوم آیت... خوبی. از مراجع بزرگ شیعه، در مورد این امر می گوید: تعقیب عبارت است از اینکه نمازگزار پس از ادای نماز به دعا، ذکر، تلاوت قرآن و اموری از این قبیل همچون تفکر در عظمت خداوند و گریه و اترس و اوبه خاطر اشتیاق به او، بپردازد که از سنت های تأکید شده است و منافعی در دین و دنیا زیاد است. تعقیب و تعقیبات در لغت، به معنای دنبال کردن، از پی چیزی رفتن یا دنبال امری یا کسی را گرفتن است و نمازگزار در واقع با انجام اعمال عبادی از پی نماز خود می رود و نماز را رها نمی کند و آن را تعقیب می کند. همچنین آیت... جوادی آملی در کتاب رازهای نماز در این باره می گوید: شاید از این رو خدای سبحان فرموده است فاذا فرغت فانصب والی ربک فارغب، چون فراغت یافتی، به طاعت کوش و با اشتیاق به سوی پروردگارت روی آور، یعنی آن گاه که از نماز خویش بنا به احتمالی فارغ شدی، بر ادامه عبادت به تعقیبات آن بکوش و باید شوق و رغبت تو تنها به خداوند باشد، نه به غیر او.

از این رو مسعده بن صدقه از امام باقر^(ع) روایت کرده است که دربارۀ آیه فاذا فرغت فانصب... فرمود: فاذا قضیت الصلاه... فانصب فی الدعاء.

یعنی هنگامی که نمازت به پایان رسید، به نیایش بکوش. در مورد اینکه انسان حاجات خود را از خداوند بخواهد، روایات زیادی آمده است. در روایتی دیدیم که فرمود بنده ای که نماز می خواند و چیزی از خدا نمی خواهد، نمازش به سرش کوبیده می شود؛ چرا که خداوند می گوید تویی که به من نیاز داری و حالا که طاعت من را به جا آورده ای، باید از من حاجت را بخواهی!

امام صادق^(ع) می فرماید: خداوند نماز را در بهترین زمان ها واجب کرده است، پس حاجت های خود را بعد از نماز های واجب از خدا بخواهید.

همچنین معروف است که هر نمازگزار دعای مستجابی بعد از نماز خود دارد که پیامبر اعظم^(ص) فرمودند: «مَنْ أَدَّى لِلَّهِ مَكْتُوبَهُ فَلَهُ فِي أَثَرِهَا دَعْوَةٌ مُسْتَجَابَةٌ»؛ هر نمازگزار پس از هر نماز واجبی، دعایی مستجاب دارد. (وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۴۳۲، ح یک). امیرالمؤمنین علی^(ع) نیز در مورد فضیلت تعقیبات می فرماید: «من جلس فی مصله ثانیاً رجلیه یذکر... تبارک... وتعالی وکل... عزوجل - به ملکایقول: اذن دفرفش تکتب لک الحسنات وتمحی عنک السيئات وتنبی لک الدراجات حتی یصرف: فردی که در جایگاه نماز بنشیند و به ذکر خدای تعالی و تعقیبات بپردازد، خداوند فرشته ای را مأمور می کند که به وی می گوید: ای نمازگزار! که مشغول دعا هستی، بر شرف و کرامت و فضیلت خود بیفز! یعنی بیشتر و زیادت را دعا کن) که برای تو حسنات ثبت می شود و سیئات و بدی هایت محو می شود و درجات تو افزون می گردد و این گفت وگو ادامه دارد تا وقتی که او از دعا و تعقیباتش فارغ شود. (دعائم الاسلام، ج یک، ص ۱۶۵). البته در مورد تعقیبات وارد شده و حکمت تعقیبات نماز، زیاد می توان صحبت کرد که این تعقیبات، تکمیل کننده نقایص نماز ماست و دیگر اینکه تنها کسی که عاشق نماز و مخاطب نماز است و به راستی معنای آن را دریافته است، اهل تعقیبات است؛ ولو به یک سجده شکر یا زمزمه تسبیحات حضرت زهرا^(ا) یا خواندن آیت الکرسی یا آیات دیگری که خیلی سفارش شده است، مثل مهمانی که وقتی دارد از منزل شما می رود، چون برایتان عزیز است، چند قدمی او را بدرقه می کنید. این بدرقه کردن در مورد نماز همین تعقیبات است.

ریحانه عامل نیک، در مرور ویژگی های مؤمن در بیان ائمه اطهار^(ع) معمولاً پنج ویژگی ذکر می شود که یکی از آن ها انگشت به دست راست کردن است. انگشت یا خاتم، حلقه ای فلزی و نگین دار است که به دست کردن آن از سنت های پیامبر اکرم^(ص) شمرده شده است. به غیر از روایات، جالب است بدانید که در کتب فقهی ما نیز، برای انگشت احکامی بیان شده است. بنا بر روایتی که از امام حسن عسکری^(ع) نقل شده است، انگشت به دست راست کردن، یکی از نشانه های پنج گانه مؤمن، بیان شده است و درباره جنس انگشت و نقش روی آن و استفاده از سنگ های قیمتی و با رنگ های مختلف، توصیه هایی شده است. حضرت فاطمه^(ص) می فرمایند: «هر که انگشت عقیق در دست کند، همیشه خیر و خوبی می بیند».

اما نقش انگشت های امامان شیعه نیز برای خود بحث مجزایی دارد. عبارت هایی مثل «الملک لله» و «حسبی...» مرسوم بوده است. عاشقان و شیفتگان ولایت نیز از این شیوه تبعیت کرده و بر انگشت های خود عبارت هایی مثل «لا اله الا...»، «محمد نبی...»، «و علی ولی...» را حکاکی می کنند. به غیر از توصیه های روایی و سنت پیامبر^(ص)، کاربرد انگشت در زمان گذشته نیز اهمیت دارد. از انگشت برای مهر کردن نامه ها هم استفاده می شده است. پیامبر^(ص) و علمای شیعه نیز از این روش استفاده کرده اند. در روایات حتی در مورد به دست راست کردن انگشت سخن به میان آمده است و آن را از نشانه هایی بیان می کنند که شیعیان با آن شناخته می شوند. در ابواب مختلف فقهی مثل نماز، حج و جهاد نیز از انگشت سخن گفته شده است. در روایتی از امام کاظم^(ع) درباره چرایی انگشت به دست راست کردن امام علی^(ع) سؤال شد. ایشان در پاسخ فرمودند: «به این دلیل که امام علی^(ع) پس از پیامبر^(ص) پیشوای اصحاب یمین بود». بحث در مورد انگشت، فرصت بلندتری را می خواهد اما برای امروز همین مقدار کافی است؛ تا کاین اشارت ز جهان گردان ما را بس!

«به دنبال پدر (پند های امام علی^(ع) در نامه ۳۱ نهج البلاغه)»؛ شرحی کاوشگرانه بر یک متن حیات آفرین و نامه ۳۱ نهج البلاغه است که در آن امیرالمؤمنین علی^(ع) توصیه هایی را خطاب به فرزندشان، امام حسن مجتبی^(ع)، مکتوب کرده اند. این اثر در قالب ۲۷ پرتو که همان پندهای حضرت بوده، به رشته نگارش درآمده است؛ «چشم هایت را ببند، «به سوی خدا رها شو»، «با پدر همراه شو»، «با فهم و صبر، توانایی را تجربه کن»، «بخواه تا بشوی»، «عمرت را به اندازه تاریخ طولانی کن»، «در برابر اشتیاق کور، مقاوم باش»، «باور کن فقط خدا هست و دیگر هیچ»، «در دنیا بیش از یک مسافر خانه معطل مشو»، «ترازوی بین خود و دیگران باش»، «خود را میسرست و راه را بیاب»، «بر دلت شعاعی از نور بتابان»، «احتمال بده که شاید به آرزویت نرسی»، «راز بپوشان و نهان پنهان دار»، «از راه های بسته نترس»، «جهان آینده را در دیروز بشناس»، «فرصت شناس و زمان دار باش».

پرش از اثر: «ای فرزند! گرچه من به اندازه پیشینیان عمر نکرده ام، ولی در کارشان نگرسته و در سرگذشتشان اندیشیده و در آثارشان سیر نموده ام، تا آنجا که گویی خود یکی از آنان شده ام. آنچه از آنان به من رسیده، چنان است که انگار از آغاز تا انجام با آنان زیسته و دریافته ام که در کارها آنچه صاف و عاری از خطاست، کدام است و آنچه تیره و نادرست است، کدام. چه کاری سودمند است و چه کاری زیان آور پس برای تو از هر عمل، باکیزه ترین آن را برگزیدم و زیبا و پسندیده اش را اختیار کردم و آنچه را مجهول است و سبب سرگردانی تو شود، به یک سو نهادم و چنان پدری شفیق که در کار فرزندش می نگرد، در کار تو نگرستم و برایت از ادب، چیزها اندوختم و که بیاموزی و به کار بندی و تو هنوز در روزهای آغازین جوانی هستی و بر عتفوان آن، هنوز نبیتی پاک داری و نفسی دور از آلودگی.

این گونه است که پدر، سفره ای بی نظیر پیش رویت پهن کرده، سرشار از انتخاب ها و باید ها و نبایدها، فقط باید اعتماد کنی و از این سفره گزیده، لقمه برداری».



خدا لبخند را دوست دارد

آمنه مستقیم! اسلام همان قدر که بر تعظیم شاعران... از طریق سوگواری و عزاداری اولیای الهی تأکید می کند و برای آن الگو و مسیر مشخص می کند، درباره شادی و شادمان بودن هم حساس است و راه آن را نشانمان می دهد اما این ماییم که با کم کاری و غفلت، خودمان را از این شادی و لذت هایش محروم می کنیم. در بررسی نگاه اسلام به شادی با حجت الاسلام والمسلمین سید مهدی واعظ موسوی، کارشناس مذهبی و مشاور خانواده، گفت وگو کرده ایم.

ربیع الاول؛ موسم شادی مؤمنانه

چه بسیار افرادی که به ظاهر اهل خنده و خنداندن دیگران اند اما شادی عمیق درونی ندارند و افسرده اند، الکی خوش بودن و دیگران را خنداندن، شادی درونی نیست. به قول شاعر، «خنده می بینی ولی از گریه دل غافل»/ خانه ما اندرون، ابر است و بیرون آفتاب... ما باید روی شادی مؤمنانه و عمیق و پایدار کار کنیم. اکنون که دو ماه محرم و صفر را پشت سر گذاشته ایم و شاعر و فرهنگ حسینی را تعظیم کرده ایم (که لازم و خوب است) جاد دارد در ماه ربیع الاول، شادی های مؤمنانه را ترویج دهیم.

تأکید اسلام بر شادی های حلال

اسلام بر شادی و خنده مدیریت شده و حلال تأکید می کند، مثل باهم خندیدن نه به هم خندیدن. اینکه به بهانه شادی، فردی را تحقیر نکنیم و حرامی را مرتکب نشویم. اسلام بر شادی های اصیل و پایدار و هماهنگ با فطرت تأکید می کند. نه شادی های دم دستی و الکی که غم به دنبال خود دارد. ماد و فصل داریم؛ شادی های غم افزا و غم های شادی افزا. خیلی از غم ها به انسان انبساط روحی می دهد، مثل غم تفکر و اندیشیدن و از آن سو شادی های غم افزا داریم که برای کسب دقیق و ساعاتی خوش، مدت ها غمگین می شویم.

خدا خنده را دوست دارد

شادی علامت سلامت فرد، خانواده و جامعه است. فردی که شادمان نیست، از سلامت به دور است و خانواده و جامعه ای که شادی را تجربه نمی کند، سلامت نیست. شادی یک اصل دینی است؛ چنان که خداوند در قرآن کریم می فرماید: «وَأَنَّهُ هُوَ أَضْحَكٌ وَ أُنْكِي، و هم اوست که (بندگان را) شادمان و خندان سازد و غمین و گریان کند» (نجم، ۴۳). نکته مهم آنکه خنده را مقدم بر گریه آورده است؛ یعنی اولویت با شادی است، البته انسان غم و اندوه هم دارد و در غم عزیزان و خویان و محبوب خود اشک می ریزد.

شادی های استوار و متین

از منظر آموزه های دینی روایی، شادی اصیل لحظه ای نیست و آرامش و انبساط روح به انسان می دهد و بعد انسان را غمگین نمی کند، هستند قرص های شادی بخش و روان گردان که ممکن است برای ساعاتی انسان را شاد کنند اما با محو آثار این قرص ها، انسان به شدت غمگین و افسرده می شود. اما شادی مؤمنانه ای که از راه هایی همچون ارتباط با خدا، شاد کردن یکدیگر و باهم شاد بودن به دست می آید، متین و استوار است و جای خود را به حس غم نمی دهد.



حجت الاسلام والمسلمین
واعظ موسوی؛
شادی مؤمنانه ای که از
راه هایی همچون ارتباط با خدا،
شاد کردن یکدیگر و باهم شاد
بودن به دست می آید، متین و
استوار است و جای خود را به
حس غم نمی دهد

به جوانان الگوی شادی بدهیم

باید بسته شادی های مؤمنانه در اسلام، استخراج و به نسل جوان عرضه شود تا بداند چطور شادی کند، جوانان ما برای فرهنگ غم هیچ گاه به غرب نظر نمی کنند، چون در محرم و صفر و ایام فاطمیه بلدیم چطور سوگاری کنیم اما در فرهنگ شادی می بینیم جوانان به غرب و الگوهای وارداتی نگاه می کنند. یک دلیل کار کمی ما در این زمینه، در الگوسازی از شادی های مؤمنانه است؛ برای همین دست جوانان ما خالی است و برای شاد بودن به بیگانگان نگاه می کنند.

راه شادی را بلد نیستیم

شادی عمیق و پایدار نیاز جامعه است، باید گعده های علمی تشکیل دهیم و فرهنگ شادی در اسلام را استخراج و مرزها و حدودش را تعیین کنیم تا بدانیم چطور هم خودمان شادمان باشیم و هم دیگران را خوشحال کنیم. مادر فرهنگمان غم و سوگواری و سینه زنی داریم و بلدیم چطور شور بگیریم اما بلد نیستیم چگونه خود و دیگران را شادمان کنیم. رهبر معظم انقلاب در دیدار با مدامحان فرمودند: اگر شمار این بینیم، دست زدن شادمان شادی ها با سینه زنی در غم ها تفاوتی ندارد. این آسیبی بزرگ است که ما روش شادی را بلد نیستیم.

قال الامام عسکری^(ع)؛
ما مِنْ بَلَدٍ إِلَّا وَلَهُ فِيهَا نِعْمَةٌ تُحِيطُ بِهَا.

امام عسکری^(ع)؛ هیچ گرفتاری و بلایی نیست؛ مگر آنکه نعمتی از خداوند، آن را در میان گرفته است. (بحار الانوار، جلد ۷۸، ص ۳۴۴، ح ۲۴۴).

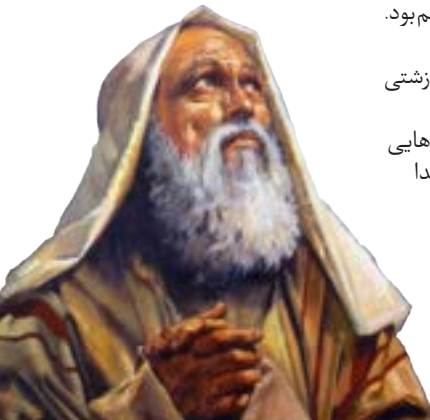
قصه ابراهیم نبی(ا)

سمانه رضوانی حدود ۳ هزار سال بعد از آفریدن اولین انسان به دنیا آمد. هزار و دویست سال بعد از اولین پیامبر اولوالعزم و از نوادگان همان پیامبر بود. پیشگوها و ستاره شناس هایبه نمرود گفته بودند کسی خواهد آمد که همه قدرت تو را خواهد گرفت. نمرود نگران و مضطرب بود و هر نوازی که به دنیا می آمد، حکم دشمن او را داشت و دستور داد همه را بکشند. مادر ابراهیم نماند و نگذاشت نوزادش به دست سربازان نمرود بیفتد. راهی بیابان شد و در غاری زایلمان کرد و تا سال ها پسرش را مخفی کرد. نمرود باورش شده بود که جان انسان ها در

خدا برای ابراهیم^(ع) سنگ تمام گذاشت

این ها حاصل ایمان قوی او بود. اذکر فی الکتاب ابراهیم انه کان صدیقاً نبیاً(مریم، ۴۱). تازه اول داستان او بود، اول رسالتش و ماجرای ابراهیم و کسانی که می خواست هدایتشان کند.

ادامه دارد...



اما قصه ابراهیم در قرآن به اینجا ختم نشد، فقط وصف شایستگی او نبود. راسگو بود... سلام علی ابراهیم - کذلک نجزی المحسنین انه من عبادنا المؤمنین (صافات، ۱۰۹، ۱۱۱). نیکوکار بود، بنده بود، بنده مؤمن خدا هم بود. اذ جاء به یقلب سلیم (صافات، ۸۴). قلب و دلش سالم سالم بود، دور از هر زشتی و بدی و کفر. خدایم خواهد در وصف ابراهیم^(ع) حرف هایی هم به ما بزنند و بفهماند که بنده خوب خدا چه ویژگی هایی دارد. دل محکم، راستگو، کار نیک و... سرخ تسبیح این صفات را بدهد دست بنده اش تا راه رسیدن به خودش را نشانمان دهد.

آیتا... العظمی خاتمه ای؛ موارد مختلف است، نسبت به معاملاتی که زن مستقلا و بدون اجازه و رضایت شوهر انجام داده، بدهی های آن به عهده خودش است و چیزی به عهده شوهر نیست.

آیتا... العظمی سیستانی؛ خیر. آیتا... العظمی نوری همدانی؛ پرداخت بدهی مذکور، به عهده شوهر نیست.

آیتا... العظمی مکارم شیرازی؛ اگر به عنوان نفقه بوده و مرد به آن رضایت داده است، بر عهده مرد است. ولی اگر بدون رضایت شوهر بوده یا زائد بر نفقه بوده، پرداختش بر عهده خودش است. ولی اگر مربوط به مواردی بوده که زن و مرد به طور مشترک از آن استفاده می کردند، بدهی آن بین زن و مرد تقسیم می شود.

تکلیف بدهی همسر

بعد از جدایی

اگر بعد از جدایی زن و شوهر زن بدهی به جا گذاشته باشد، آیا پرداخت آن بر عهده شوهر است؟